

## تدریس درس هشتم تحولات نظام جهانی

### جامعه‌شناسی پایه یازدهم دبیر زهرا نجاتی استان لرستان شهرستان دلفان

بچه‌های عزیز در درس‌های قبل در مورد دولت ملت‌ها با همدیگر صحبت کردیم و گفته شد که دولت ملت‌ها بعد از انقلاب فرانسه شکل گرفتند. و اینکه کشور یک واحد اجتماعی است که ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و... دارد. مثلاً پدیده‌های دولت، احزاب، انتخابات و... مربوط به ابعاد سیاسی است و پدیده‌های بورس، ثروت، اشتغال و... مربوط به ابعاد اقتصادی است. و پدیده‌هایی مانند هنر، موسیقی، ادبیات، و... مربوط به ابعاد فرهنگی یک کشور است. درس‌های قبل بحث شد که عوامل مختلفی در شکل گرفتن نظام جدید جهانی تأثیر داشتند؛ پیدایش قدرت‌های سکولار، پیوند قدرت با تجارت و سرمایه و صنعت، به خدمت گرفتن مبلغان مذهبی و سازمان‌های فراماسونری و استعمار و ادغام جوامع در نظام نوین جهانی.

اکنون در این درس جدید در مورد این تغییرات و تحولات و تأثیرات آنها می‌خواهیم بحث کنیم.

بچه‌های عزیزم قبل از تدریس درس لطفاً این مطالب رو با دقت بخوانید و تحلیل کنید: ساختمان مرکزی و مدیریت تمامی بیست و یک گول رسانه‌ای جهان، در کشورهای صنعتی، به ویژه ایالات متحده آمریکا قرار دارند. امپراطوری‌های رسانه‌ای مثل تایم وارنر، دیسنی و یاکوم همگی آمریکایی‌اند. از دیگر شرکت‌های رسانه‌ای بزرگ می‌توان به شرکت ژاپنی سونی و گروه آلمانی برتلسمان اشاره کرد.

### تحولات اقتصادی و سیاسی:

#### عملکرد اقتصادی کشورهای غربی در نظام جهانی:

عملکرد اقتصادی کشورهای غربی در چارچوب دولت ملت‌های جدید شکل گرفت.

قدرت سیاسی این دولت‌ها با منافع اقتصادی صاحبان ثروت، صنعت و تجارت هماهنگ بود.

رقابت‌های سیاسی استعمارگران به ویژه در مناطق استعمار زده با منافع اقتصادی آنان پیوندی خورد.

بعنوان مثال: ایجاد کمپانی هند شرقی توسط امپراطوری بریتانیا استعمار انگلیس با هدف کسب امتیازات تجاری در هندوستان.

کشورهای استعمارگر ابتدا اقتصاد کشورهای استعمار زده را دگرگون کردند.

#### ویژگی‌های اقتصاد کشورهای غیر غربی پیش از استعمار:

در این دوره نظام اقتصادی کشورهای غیر غربی اغلب در تعامل با محیط جغرافیایی خود و به گونه‌ای مستقل عمل می‌کرد. روابط تجاری در این نظام اقتصادی نیز در حدی نبود که استقلال آنان را به خطر بیندازد.

مثلاً: تجار و بازرگانان کشورهای مختلف، محصولات و فرآورده های خاص اقلیمی خود را به نقاط دیگر برده و کالاهای آن مناطق را باخود می آوردند. جاده ابریشم یکی از مسیرهای معروف تجاری بوده است که به مدت ۱۷۰۰ سال کالاهای مختلف تجار در این مسیر حمل و نقل می شده است.

### **ویژگی های اقتصادی کشورهای غیر غربی در دوران استعمار:**

اقتصاد کشورهای استعمار زده و تحت نفوذ به بازار مصرف کالاهای تولید شده کشورهای غربی تبدیل شدند.

نیروی کار و مواد خام مورد نیاز کشورهای غربی را تأمین کردند.

در اغلب موارد، به سوی اقتصاد تک محصولی سوق داده شدند. یعنی صادرات آنها، به یک مواد خام محدود شد.

تک محصولی شدن اقتصاد کشورهای استعمار زده، قدرت چانه زنی در اقتصاد جهانی را از آنان گرفت، و این پدیده موجب وابستگی اقتصادی آنان به کشورهای استعمار گر شد.

وابستگی اقتصادی کشورهای استعمار زده به استعمارگران موجب انجام مبادلات تجاری نامتعادل در سطح جهانی و ادامه جریان ثروت، به سوی کشورهای غربی شد.

کشورهای غربی به اقتضای بازار مصرف، برخی صنایع وابسته را به کشورهای استعمار زده منتقل کردند. ولی این انتقال در جهت استقلال یا تعدیل جهانی ثروت نبود، بلکه در جهت منافع بیشتر کشورهای استعمارگر بود و بدین ترتیب با رشد کشورهای استعمار زده نیز فاصله و وابستگی کشورهای غربی و غیر غربی همچنان حفظ شد.

وابستگی کشورهای استعمار زده امکان عبور از مرحله استعمار به استعمار نو را برای کشورهای استعمارگر پدید آورد. کشورهای غربی بعد از شکل گیری مقاومت های سیاسی و نهضت های آزادی بخش در کشورهای استعمار زده، استقلال سیاسی و اقتصادی این کشورها را به رسمیت شناختند یعنی عبور از مرحله استعمار به مرحله استعمار نو، زیرا می دانستند که اقتصاد وابسته کشورهای استعمار زده دولت های مستقل این کشورها را ناگزیر از قرار گرفتن در چرخه نامتعادل جهانی توزیع ثروت می کند.

بعنوان مثال: جنبش آزادی بخش الجزایر و خروج استعمار فرانسه از این کشور، وابستگی اقتصادی الجزایر به کشورهای استعمار گر سبب شروع برای استعمار نو را فراهم کرد.

### **افول دولت ملت ها و جهانی شدن:**

دولت ملت ها حاکمیت های سیاسی اقتصادی نوینی هستند. که نخستین بار در اروپای غربی، همراه با افول قدرت کلیسا پدید آمدند. حاکمیت های قبلی، هویتی دینی و معنوی برای خود قائل بودند. ولی دولت ملت های جدید هویتی دینی برای خود قائل نبودند و صورتی سکولار داشتند. هویتشان اغلب ناسیونالیستی و قوم گرایانه بود. دولت ملت های جدید با کشورهای غربی، در مسیر توسعه و گسترش خود به صورت استعماری در آمدند، و به دنبال فتوحات استعماری خود

جغرافیای سیاسی جدیدی را در مناطقی که حضور داشتند، برای فرهنگ های دیگر پدید آوردند. بعنوان مثال: هویت دولت آتاتورک در ترکیه، یک هویت دینی نبود، بلکه هویتی سکولار بود. دولت ملت ها برای هر یک از مناطق جغرافیای سیاسی جدیدی پدید آوردند، که هویتی قومی و سکولار بود.

عواملی که سبب پیدایش دولت ملت ها در تاریخ معاصر بشری شدند، در سده اخیر تغییر یافته اند و به دنبال آن، نقش کشورها و دولت های آنها نیز در جهان تغییر کرده است. برخی از این فرایندها جدید با عنوان جهانی شدن یاد می کنند. اقتصاد سرمایه محور در حرکت های آغازین خود، نیازمند حمایت سیاست های قومی و منطقه ای بود، ولی به تدریج، انباشت ثروت و پدید آمدن شرکت های بزرگ چند ملیتی و گسترش صنعت ارتباطات، از اهمیت مرزهای سیاسی کاسته شد. با شکل گیری نهادهای بین المللی و بازارهای مشترک منطقه ای، سرمایه گذاری شرکت های بین المللی به منطقه ای خاص محدود نمی شد مثلاً شرکت سونی ژاپن که امروزه با شرکت های مختلف محصولات خود را تولید و عرضه میکند. کانون های ثروت و قدرت برای حفظ منافع خود از طریق سازمان های بین المللی، موانع موجود بر سر راه تجارت بین المللی را بر می دارند و استقلال اقتصادی کشورهای مختلف و سیاست های ملی را مخدوش می سازند.

**گروهی معتقدند:** جهانی شدن فرایندی است که هیچ اعتنایی به مرزهای ملی ندارد. جهانی شدن در حال ایجاد نظم نوینی است که تجارت و تولید بین المللی آن پیش می راند.

**برخی دیگر معتقدند:** ابعاد اقتصادی و سیاسی جهانی شدن در حال حاضر به گونه ای است که نظم و انسجام مطلوب جهانی بدنبال ندارد بلکه چالش ها و تضادهای را پدید می آورد. مقابله با این چالش ها بیشتر توسط جنبش هایی که فراتر از مرزهای سیاسی و دولت ها عمل می کنند، انجام می شود.

**بعنوان مثال:** چند پیمان منطقه ای بین دولت ها در برابر سیاست جهانی سازی قدرت های برتر اروپایی شکل گرفتند از جمله: سازمان کنفرانس اسلامی، جنبش عدم تعهد، اتحادیه عرب، جامعه کشورهای آسیای جنوب شرقی (سیتو) کشورهای عضو بریکس و سازمان همکاری شانگهای یا ناتوی شرق.

### **امپراتوری رسانه، علم و فرهنگ:**

نظام جهانی در عرصه فرهنگی تحولات زیادی را پشت سر گذاشته و این تحولات مسیرهای مختلفی را طی کرده اند. جوامع از دیر باز از طریق تجارت، مهاجرت، جنگ و... با یکدیگر برخورد داشته اند و این برخوردها سبب انتقال و اشاعه فرهنگ ها می شد و مبادلات فرهنگی از این طریق شکل می گرفت. برخورد استعماری غرب موجب انتقال فرهنگ غرب به کشورهای غیر غربی بوده است. و برخورد استعماری غرب موجب شد تا جوامع غیر غربی از نظر اقتصادی و سیاسی در موضع ضعف قرار گیرند. این پدیده اغلب نوعی خودباختگی فرهنگی را نیز در آنها ایجاد می کرد.

خودباختگی فرهنگی موجب میشود، جامعه حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهد و در نتیجه عناصر فرهنگ دیگر را که در قبال آن به خودباختگی دچار شده اند، بدون تحقیق و گزینش و به گونه ای تقلیدی فرا گیرد. در شرایطی که جوامع غیر غربی، مدیریت خود را در گزینش عناصر مناسب فرهنگ غربی از دست می دهند، غرب مدیریت انتقال را در چارچوب اهداف اقتصادی و سیاسی خود به دست می گیرد.

صنعت ارتباطات ابزار جدیدی است که غرب را در مدیریت انتقال فرهنگ غرب یاری می دهد.

توسعه صنعت ارتباطات، فاصله های زمانی و مکانی را کوتاه و جهان را کوچک و به صورت دهکده ای واحد در آورده است. موقعیت برتر کشورهای غربی در راس آنها آمریکا، در عرصه رسانه، سبب شکل گیری امپراتوری رسانه ای شده است. کشورهای کمتر توسعه یافته در برابر این امپراتوری فرهنگی تازه تاسیس آسیب پذیر هستند، زیرا منابع و امکانات کافی برای حفظ استقلال فرهنگی خود را ندارند.

**تجمع ثروت قدرت رسانه در دست صاحبان ثروت و کانون های صهیونیستی سبب موارد زیر شده است:**

۱- متزلزل کردن هویت جوامع غیر غربی.

۲- به سخره گرفتن ارزش های دموکراتیک جهان غرب به شکل آشکار.

۳- موجب تضعیف سازوکارهای دموکراسی می شود.

**توزیع هدفمند علوم طبیعی و علوم انسانی در جوامع غیر غربی:**

جوامع غیر غربی، بخشی از علوم طبیعی را که برای خدمت رسانی به کالاهای غربی مورد نیاز است، به کشورهای در حال توسعه آموزش می دهند، ولی از آموزش های دانش های راهبردی خودداری می کنند. به همین دلیل است که کشورهای غربی برای جلوگیری از دستیابی ایران به تکنولوژی هسته ای تلاش می کنند. یا شرکت اپل فقط دانش های مربوط به تعمیر محصولات خود را به کشورهای در حال توسعه آموزش می دهد.

**تثبیت مرجعیت علمی غرب:**

علوم انسانی غربی بر بنیان های هستی شناختی یا سکولاریسم، انسان شناختی یا اومانیزم و روش های معرفتی یا روشنگری خاص غرب بعد از رنسانس شکل گرفته اند. بنابراین این علوم زندگی و حیات آدمی را صرف نظر از ابعاد معنوی، به صورت سکولار و دنیوی تعریف می کنند و سازمان می دهند. ترویج علوم انسانی غربی در کشورهای غیر غربی عمیق ترین تأثیر را در توزیع جهانی فرهنگ غرب ایفا می کند، زیرا موجب شده تا فرهنگ های دینی هویت خود را از نگاه فرهنگ غرب بازخوانی کنند. این پدیده، فرهنگ ها را از علمی که مبتنی بر بنیان های معرفتی دینی باشد، محروم می گرداند.

زهرا نجاتی دبیر جامعه شناسی استان لرستان شهرستان دلفان